

## به نمره ۱۹ و ۲۰ بچه‌هايتان اعتماد نکنيد!

برخی مشاوران مدارس، آزمون سنجش استعداد و آزمون رغبت سنج کنونی را فاقد روایی و اعتبار مناسب می‌دانند و از قبل هشدار داده بودند که سهم کم نمرات دانش آموزان، باعث ایجاد نارضایتی دانش آموزان و اولیا می‌شود.



برخی مشاوران مدارس، آزمون سنجش استعداد و آزمون رغبت سنج کنونی را فاقد روایی و اعتبار مناسب می‌دانند و از قبل هشدار داده بودند که سهم کم نمرات دانش آموزان، باعث ایجاد نارضایتی دانش آموزان و اولیا می‌شود

به گزارش خبرآنلاین، شیرزاد عبدالهی نوشت:

بیش از 48 درصد دانش آموزان اجبارا باید در شاخه های کاردانش و فنی و حرفه ای تحصیل کنند

اعتراضات اخیر دانش آموزان کلاس نهم و اولیای آنها نهایتا به عقب نشینی محدود ستاد هدایت تحصیلی منجر شد و مسئولان آموزش و پرورش پذیرفتند که دانش آموزان را نباید به صورت اجباری به رشته کاردانش و فنی - حرفه ای بفرستند. مسئولان رسماً اعلام کردند که نمرات دوره اول متوسطه حبابدار است. سخنان جنجالی چندی پیش مدیرکل سابق شهر تهران در باره سیستم امتحانات و لو رفتن سوالات امتحانی، گفت و گوهایی را در فضاهای مجازی و واقعی برانگیخت. البته دلایل متفاوتی برای این بی اعتباری اعلام شد اما نتیجه یک چیز است: به نمره 19 و 20 بچه‌هايتان اعتماد نکنيد. این نمره‌ها واقعی نیستند. زمانی مدرسه دولتی خوب معنا داشت. زمانی نمره اعتبار داشت. حالا خانواده‌ها در به در دنبال مدرسه دولتی خوب می‌گردند و نمره هم بی اعتبار شده است.

در کتاب های دبستان داستانی بود که دامداری آب در شیر می‌کرد و به مردم می‌فروخت. یک روز سیل آمد و گوسفندان او را برد. دامدار از چوپان پرسید که این سیل از کجا آمد؟ چوپان به او گفت این همان آب هایی است که توی شیر می‌ریختی! اظهار نظر مقامات آموزش و پرورش در باره نمره و امتحانات مانند سخن این چوپان است. مانند اعتراف زرگری است که بگوید، طلايش را بامس مخلوط کرده است و عیار ندارد. مثل حرف صرافى است که بگوید نیمی از دلارهایش تقلبی است. در گذشته معلمان می‌گفتند: "امتحان ناموس مدرسه است." اما حالا برخی مدیران مدارس جلوی چشم مسئولان اداری برای بالابردن آمار قبولی، به معلمان فشار می‌آورند. برخی از مدیران هم که جسورترند خودشان در لیستها دست می‌برند. برخی از دبیران هم نمره فروشی می‌کنند. برخی مدیران ستادی هم تماشا می‌کنند.

زمانی نمره 20 اعتبار داشت. حتی بعضی معلمها به هیچ دانش آموزی 20 نمی‌دادند. اما حالا بچه‌های با معدل 19 راهنمایی سابق و متوسطه اول فعلی، در سال اول نظری مثل برگ خزان می‌ریزند و نهایتا راهی مراکز کاردانش می‌شوند و امروز 80 درصد بچه‌های سوم متوسطه اول با در دست داشتن کارنامه‌های با معدل 18 و 19 و 20 با مسئولان هدایت تحصیلی چانه می‌زنند که در شاخه نظری ثبت نام کنند. مدیر یک مدرسه می‌گوید: "دانش آموز با معدل زیر 19 را حتی برای رشته علوم انسانی ثبت نام نمی‌کنم." آموزش و پرورش، بچه‌ها را یک ضرب با معدل های حبابدار تا کلاس نهم بالا می‌آورد. در پایان تحصیلات عمومی (نهم)، مسئولان قلم بطلان بر کارنامه 9 ساله مجموعه وزارتخانه می‌کشند و اعلام می‌کنند که نمره امتحانی و معدل اعتبار ندارد و مثل بورس تهران در دوره تورم، "حبابدار" است.

هفته گذشته معلوم شد که دانش آموزان سال سوم متوسطه اول (کلاس نهم)، که اول مهر ماه 95 وارد مقطع دوم متوسطه می‌شوند در چه شاخه‌ای و رشته‌ای مجاز به ثبت نام هستند. تحصیلات دوره دوم متوسطه، نیمه تخصصی است و جهت گیری شغلی آینده دانش آموزان را مشخص می‌کند. اما شیوه هدایت تحصیلی امسال، اعتراض تعدادی از اولیا و دانش آموزان را برانگیخت. در فرم های هدایت تحصیلی، 35 درصد امتیازات به سوابق تحصیلی دانش آموز یعنی نمرات سه سال متوسطه اول تعلق می‌گیرد و 65 درصد دیگر به بررسی‌های مشاوره‌ای که شامل شش بخش: نظر خود دانش‌آموز (10%)، نظر اولیای او (5%)، نظر دبیران (10%) و نظر مشاور (10%) به علاوه نمرات آزمون سنجش استعداد (15%) و آزمون رغبت سنج (15%) تعلق می‌گیرد.

همه چیز روی کاغذ و در تئوری خوب و علمی است اما اجرای بد و بدون مقدمه طرح حتی داد مشاوران هم در آورده است. برخی مشاوران مدارس، آزمون سنجش استعداد و آزمون رغبت سنج کنونی را فاقد روایی و اعتبار مناسب می‌دانند و از قبل هشدار داده بودند که سهم کم نمرات دانش آموزان، باعث ایجاد نارضایتی دانش آموزان و اولیا می‌شود. استدلال آنها این

بوده "اعتبار نمره در شرایط فعلی از بقیه فاکتورها بیشتر است." یک مشاور مدرسه پسرانه می گوید: "مهمترین اشکالی که به طرح وارد هست بلاتکلیفی کارمندان، مدیران و مشاوران مدارس، اولیا و از همه مهمتر خود دانش آموزان است." او با اشاره آمار بالای خودکشی در بین نوجوانان می گوید: "سنین نوجوانی بسیار حساس است و احتمال دچار شدن بچه ها به آسیب های شدید روحی و در کنارش دست زدن به حرکات نامعقول و آسیب زا (خدای ناکرده تا حد خودکشی) بسیار بالاست."

اولیا می پرسند اصولا آموزش و پرورش به چه حقی می تواند دانش آموزی را ملزم به تحصیل درشاخه و رشته خاصی کند و مسیر شغلی آینده او را به رغم نظر دانش آموز و خانواده اش تعیین کند؟ حالا آموزش و پرورش یک گام عقب نشسته و می گوید اجباری در کار نیست اما همچنان برخی مدیران اصرار می ورزند که سهمیه بندی را باید برای تحقق اقتصاد مقاومتی و اجرای سیاستهای اشتغال و پیاده کردن سند تحول و... اجرا کنیم. به گفته کفاش معاون پرورشی، وزیرآموزش و پرورش اجازه داده تا در مناطقی که ستاد هدایت تحصیلی با مشکل مواجه است، انعطافهایی در نظر گرفته شود و به این مناطق اجازه دهند تا چند کلاس را در رشتههای خاص ایجاد کنند.

نمره در دوره اول متوسطه و به عبارتی دوره راهنمایی سابق کاملا بی اعتبار شده است. به گفته برخی مسئولان بیش از 80 درصد دانش آموزان دوره اول متوسطه معدل 18 به بالا دارند. ابوالفضل رحمانی مسئول مشاوره شهر تهران می گوید: "طبق تجربه، نمرات دانش آموزان در دوره اول متوسطه دارای حباب است" او افزود: دانش آموزان پس از ورود به متوسطه دوم با افت شدید تحصیلی روبرو می شوند. تا همین سال گذشته و براساس شیوه سابق هدایت تحصیلی، درصدی از دانش آموزان پس از ورود به شاخه نظری و کسب نمرات ضعیف مجبور به تغییر رشته می شدند که این باعث سرخوردگی و کاهش اعتماد به نفس دانش آموز حتی برای ادامه تحصیل در رشتههای متناسب با توانایی اش می شد."

او اضافه می کند: "دانش آموز با معدل ۲۰ تنها ۳۵٪ امتیاز از هدایت تحصیلی را کسب کرده است." به گفته برخی از اولیا دانش آموزانی با معدل 20 به شاخه کاردانش هدایت شده اند و دانش آموزی با معدل 13 اولویت اولش رشته ریاضی است. پاسخ مسئولان این است: "منطقه به منطقه فرق می کند!" معلوم نیست وقتی که به اعتراف مسئولان نمره و معدل تا این حد بی اعتبار است، چرا نمره را معیار ارتقا به کلاس بالاتر قرار داده اند؟ دانشگاه ها و سازمان سنجش وزارت علوم با چه اعتباری نمرات دانش آموزان در دوره متوسطه دوم را تا 35 درصد در گزینش دانش آموز اثرگذار کرده اند؟ وقتی یک مدیر آموزش و پرورش رسماً نمره را حبابدار اعلام می کند چگونه می تواند اعتماد اولیا را به سایر شاخص های هدایت تحصیلی جلب کند؟

چگونه می توان اثبات کرد که آزمون رغبت و آزمون سنجش استعداد و نظر دبیران و مشاور و حتی نظر خود دانش آموز فاقد حباب است؟ چگونه می توان اولیا را قانع کرد که به نظر مشاور و نظر دبیر اعتماد کنند؟ مدیران آموزش و پرورش با اعتراف به بی اعتباری نمره معدل، کل پروسه هدایت تحصیلی و حتی تاثیر 35 درصدی معدل داوطلبان در گزینش دانشجو را بی اعتبار کرده اند.

مدیر مدرسه ای به درستی می گفت: "تورم در رشته تجربی دختران و ریاضی پسران یک نوع اسراف منابع انسانی است. یک خیاط ماهر و یک آشپز خلاق، درآمدش از یه مهندس متوسط خیلی بالاتر است." این حرف به طور کلی حرف درستی است. اما آیا فضای مراکز کاردانش اجازه می دهد یک کودک علاقمند به آشپزی، اهداف شغلی خود را تعقیب کند؟ آیا امکانات کافی و مربیان ورزیده در هنرستانها و مراکز کاردانش وجود دارد؟ آیا فضای اخلاقی و رفتاری حاکم بر این مراکز، چنین زمینه ای را فراهم می کند؟ فراوانی آسیب های اجتماعی و رفتارهای ناهنجار در این مراکز به نوجوان این فرصت را می دهد که اصلاً به آشپزی و خیاطی فکر کند؟ به گفته برخی هنرآموزان، 90 درصد وقت هنرآموز صرف مسایل حاشیه ای در کلاس و کارگاه می شود.

اداره مشاوره تحصیلی مناطق که عهده دار هدایت تحصیلی دانش آموزان است زیر مجموعه معاونت پرورشی وزارتخانه است. مدیران آموزش و پرورش اصرار دارند که دانش آموزان در انتخاب رشته تحصیلی اجباری ندارند و به عبارتی آموزش و پرورش به زور کسی را به رشته کاردانش نمی فرستد. اما در عین حال بر اجرای روش خود تاکید دارند. مسعود شکوهی مدیرکل امور تربیتی و مشاوره وزارت آموزش و پرورش در پاسخ به پرسشی پیرامون نحوه رسیدگی به اعتراضات دانش آموزان می گوید: "قرار بر این شده است تا دانش آموزانی که به نتایج هدایت تحصیلی معترض هستند به منظور بررسی و حل مشکل خود به کمیته های هدایت تحصیلی مستقر در مناطق آموزش و پرورش مراجعه کنند." آیا اعتراضات دانش آموزان نتیجه می دهد؟

حمید رضا کفاش معاون پرورشی وزیر آموزش و پرورش با اشاره به جلسه روز سه شنبه 5 تیرماه وزیرآموزش و پرورش با اعضای کمیسیون آموزش مجلس گفت: "چنانچه دانش آموزان یا خانواده های آنان در فرایند هدایت تحصیلی با مشکلی مواجه شده باشند می توانند برای بررسی و حل مشکل خود به کمیته های هدایت تحصیلی مستقر در مناطق آموزش و پرورش مراجعه

کنند." با این حال تاکید کرد : "هدایت تحصیلی دانش آموزان بر اساس یک فرایند صد امتیازی که در آن تمام جنبه های تحصیلی ، استعداد و رغبت و تمایل دانش آموزان و نظرات اولیاء، معلمان و مشاوران در آن لحاظ شده است انجام می شود." اما نکته کلیدی سخنان معاون پرورشی این بود که "هدایت تحصیلی بر اساس سیاست توزیع متوازن رشته های تحصیلی صورت می گیرد."

معنای دقیق توزیع متوازن، تعیین سهمیه شاخه ها و رشته ها از پیش توسط مسئولان آموزش و پرورش است. سهم شاخه کاردانش 28 درصد، فنی و حرفه ای 20.26 درصد و سهم شاخه نظری 51.74 درصد تعیین شده است. به عبارتی نیمی از دانش آموزان باید دنبال یاد گرفتن حرفه ای برای ورود به بازارکار اشباع شده به عنوان کارگر ماهر باشند. پرسش این است که معیار این سهمیه بندی چیست؟ مصطفی آذرکیش مدیرکل دفتر آموزش های کاردانش وزارت آموزش و پرورش می گوید : "قانون تکلیف کرده است که برقراری توازن در رشته های مختلف باید انجام شود." وی در ادامه به بند 2 سیاست های کلی اشتغال ابلاغی مقام معظم رهبری، بندهایی از سند تحول بنیادین و ماده 19 قانون برنامه پنجم توسعه و بند 76 سیاست های اقتصاد مقاومتی، به عنوان تکالیف قانونی برای سهمیه بندی دانش آموزان تاکید می کند.

وقتی آموزش و پرورش به دانش آموزی که خود و خانواده اش تمایل دارند در رشته تجربی تحصیل کند، بر اساس معیارهای رسمی تکلیف می کنند که به شاخه کاردانش برود، موظف است که فضا، امکانات و نیروی انسانی مناسب برای مهارت آموزی و صیانت و حفاظت از این کودک را در محیط جدید فراهم کند. در همان بند 2 سیاست های کلی اشتغال ابلاغی مقام معظم رهبری که این مسئول به آن استناد کرده بود ، بر "جلب همکاری بنگاه های اقتصادی جهت استفاده از ظرفیت آنها برای مهارت آموزی" تاکید شده است. آیا آموزش و پرورش به این بخش از تکالیف هم عمل کرده و می کند؟ اینکه دانش آموزان را از شاخه نظری به فنی - حرفه ای و کاردانش هدایت کنیم، به تنهایی کافی نیست. باید شرایط حرفه آموزی را هم در هنرستانها و مراکز کاردانش فراهم کنیم و گرنه نوعی از سربازکردن دانش آموزان است. به جای اجبار باید رغبت ایجاد کرد.